



مصاف رشید با ژنرال ماهر عبدالرشید

صفحه ۳



در این شماره بخوانید



همدلی و حمایت از دولت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدارهای جداگانه با هیئت دولت و در مراسم عزاداری شهادت امام رضا(ع)، با تقدیر از عملکرد پر تلاش دولت، بر ضرورت حمایت‌های همگانی از خدمتگزاران نظام و حفظ وحدت به عنوان عاملی کلیدی برای عبور از شرایط حساس کنونی تأکید کردند.

صفحه ۲

مأموریت ناامید کردن مردم پس از گرفتن غنائم انتخاباتی در دولت!

صفحه ۲

راز شهادت

روایتی از زندگی زاهدانه
شهید عباس رشید

جوان نسل دهه هفتادی که مسیرش را بی‌تکیه بر نام پدر ساخت؛ شهید امین عباس رشید، شهیدی از نسل فروتنی و معنا، نه رانت، نه تجمل؛ فقط صداقت و ایمان، داستان شهیدی که از نام گذشت و به جاودانگی رسید.

صفحه ۳



فریاد بی‌صدای خوزستان را بشنوید!

هورالعظیم در آستانه نابودی

د

باشگاه خبرنگاران جوان نوشت : خوزستان در دود می‌سوزد، اما صدای مردمش در هیاهوی وعده‌ها گم شده است؛ آتش تالاب هورالعظیم از آن سوی مرز زبانه می‌کشد و نفس‌ها در اهواز، هویزه و دشت آزادگان به شماره افتاده‌اند.

د

ایجاد کرده است.

پورعاطف در ادامه عنوان داشت: برنامه‌هایی برای توزیع ماسک و فیلتر هوا به صورت رایگان در نظر گرفته شده و معاونت عمرانی استانداری نیز برای تقویت مراکز درمانی شهرستان اقدام کرده است. مدیران کل محیط زیست، بحران و هواشناسی استان به همراه استاندار خوزستان سه مرتبه به شهرستان سفر کرده‌اند و بازدیدهای هوایی و میدانی از مناطق مرزی و برجک‌های مرزبانی انجام شده است.

■ اعتراض ساکنان اهواز به استمرار آلودگی ناشی از تالاب هورالعظیم

سعدون طرifi، کارمند اداری ساکن منطقه امانیه می‌گوید: در روزهایی که آلودگی هوا شدت می‌گیرد، حضور در محل کار با دشواری همراه است. علائم تنفسی مانند سرفه و سوزش چشم به‌طور مکرر تجربه می‌شود. ادامه این وضعیت سلامت عمومی را تهدید می‌کند. عبدالحسین موسوی، ولی دو دانش‌آموز در منطقه گلستان تصریح می‌کند: فرزندانم با وجود استفاده از ماسک، دچار تنگی نفس هستند. انتظار داریم اقدامات اساسی برای رفع این بحران صورت گیرد. فاطمه کعبی، ساکن منطقه لشکرآباد از دغدغه‌هایش برای حفظ سلامت جسمی و روحی خانواده می‌گوید: شرایط فعلی باعث شده استفاده از فضاهای عمومی مانند پارک‌ها و مراکز تفریحی محدود شود. این مسئله نه تنها سلامت جسمی، بلکه روحیه خانواده‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. جاسم سواری، راننده تاکسی در منطقه گلستان ادامه می‌دهد: در ساعات ابتدایی روز که آلودگی شدید است، تعداد مسافران کاهش می‌یابد. این موضوع بر درآمد روزانه ما تأثیر مستقیم گذاشته و مشکلات اقتصادی را تشدید کرده است.

■ آلودگی فرامرزی در خوزستان؛ مسئولیت با کیست؟

محمدجواد اشرفی، مدیر کل حفاظت محیط زیست خوزستان، با اشاره به آگیری حدود ۴۰ درصدی بخش ایرانی تالاب هورالعظیم، اعلام کرد که تاکنون در این بخش آتش‌سوزی گسترده‌ای رخ نداده و شاخص‌های آلاینده‌ی در شهرها افزایش نیافته‌اند. با این حال، مخازن ۴ و ۵ خشک هستند و بخش عراقی تالاب به دلیل عدم تأمین حق‌آبه از رودخانه دجله دچار خشکی شدید شده است. وی تأکید کرد: آتش‌سوزی در بخش عراقی از اواخر سال گذشته آغاز شده و دود ناشی از آن موجب

آلودگی هوا در مناطق غربی استان شده است.

به گفته اشرفی، تازمانی که رطوبت به این پهنه بازنگردد، احتمال ادامه آتش‌سوزی و انتشار دود وجود دارد و پیش‌بینی می‌شود این وضعیت تا پایان مهرماه ادامه داشته باشد. بنا به اذعان مدیر کل حفاظت از محیط زیست استان خوزستان، ایران در حال حاضر امکان اقدام عملی مستقیم ندارد و موضوع از طریق دستگاه دیپلماسی در حال پیگیری است. در صورت عدم توافق، پیگیری از مسیرهای قانونی بین‌المللی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

■ آلودگی هوا، بحران مزمن سلامت

میثم معزی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی شاپور اهواز از افزایش ۷۰ درصدی مراجعات بیمارستانی ناشی از آلودگی هوا خبر داد و اظهار داشت: این رشد نگران‌کننده نشان می‌دهد که آلودگی هوا دیگر یک مسئله مقطعی نیست، بلکه به بحرانی مزمن تبدیل شده است. وی با اشاره به ثبت بیش از ۱۰۰ هزار مراجعه مرتبط با مشکلات قلبی و تنفسی از ابتدای سال، تأکید کرد: فشار مضاعفی بر نظام درمان وارد شده و آسیب‌پذیری بیماران خاص، کودکان و سالمندان در روزهای آلوده به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. معزی افزود: در روزهای بحرانی، ظرفیت تخت‌های بیمارستانی سریع‌تر پر می‌شود، مصرف دارو و تجهیزات بالا می‌رود و خستگی کادر درمان تشدید می‌شود؛ در حالی که بسیاری از مطالبات نیروهای درمانی هنوز پرداخت نشده است. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی شاپور اهواز با انتقاد از نبود مدیریت کلان، خواستار ورود جدی نهادهای مسئول از جمله استانداری، محیط زیست و شهرداری‌ها شد و گفت: دانشگاه علوم پزشکی تنها می‌تواند نقش مسکن را ایفا کند، اما درمان ریشه‌ای نیازمند هم‌افزایی نهادهاست. وی در پایان، مطالبه‌گری رسانه‌ای را یکی از کلیدهای مدیریت بحران دانست و از مردم خواست در روزهای آلوده مراقبت‌های بهداشتی را جدی بگیرند و از تردد غیرضروری پرهیز کنند. آنچه در این گزارش مرور شد، شرح بحرانی زیست‌محیطی است که سلامت، آموزش، اقتصاد و زیست روزمره مردم خوزستان را تحت تأثیر قرار داده است. آتش‌سوزی در بخش عراقی تالاب هورالعظیم با وجود هشدارهای مکرر ادامه دارد. پاسخ نهادهای مسئول محدود به بازدیدهای میدانی، وعده‌های دیپلماتیک و انتظار برای بارندگی بوده است. مردم در معرض دود زندگی می‌کنند. دانش‌آموزان در هوای آلوده درس می‌خوانند. بیماران با مشکلات تنفسی به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند. مسئولان همچنان در حال بررسی هستند. این وضعیت حاصل یک حادثه طبیعی نیست. نتیجه فقدان اراده سیاسی برای پیگیری مؤثر حق‌آبه تالاب و اعمال فشار دیپلماتیک بر طرف عراقی است. با گسترش ابعاد بحران، سکوت و تعلل قابل توجه نیست. اگر سلامت مردم اولویت دارد، باید اقدام صورت گیرد. نه در قالب بیانیه، در قالب عمل. خوزستان منتظر باران نیست. منتظر مسئولیت‌پذیری است.

نگاه

چرا چین و روسیه نتوانستند از حق و تو خود استفاده کنند؟

صالحی درباره ماجرای عدم توانایی روسیه در استفاده از حق و تو خود در برابر بازگشت تحریم‌های ایران عنوان کرد: روسیه زمانی که «مکانیسم ماشه» در برجام طراحی شد، متوجه شد که این بند به‌طور زیرکانه‌ای حق و توی اعضای دائم شورای امنیت را دور می‌زند. طی رای‌گیری صورت گرفته در شورای امنیت قطعنامه تداوم لغو تحریم‌های ایران تصویب نشد. شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای را که خواستار لغو دائمی تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران بود، رد کرد.

طی این رای‌گیری کشورهای چین، روسیه، پاکستان و الجزایر به نفع ایران موافقت خود را برای تداوم لغو تحریم‌های سازمان ملل ابراز کردند اما با رای ۹ مخالف تداوم این امر تصویب نشد.

نکته اساسی اینجاست که چرا چین و روسیه که دو کشور دارای حق و تو در سازمان ملل هستند نتوانستند در برابر ادامه تحریم‌های ایران با وجود مخالفت کاری کنند. موضوع به سازوکار پذیرفته شده از سوی تیم مذاکره‌کننده ایرانی در زمان برجام بازمی‌گردد. در واقع در این راستا سازوکار طوری چیده شده بود که رای‌گیری مخالف و موافق تحریم معکوس شده بود. یعنی مخالفان تحریم ایران باید به لایحه رای موافق می‌دادند نه رای مخالف و از همین جهت کاربرد و تو که رای مخالف است خود به خود در این سازوکار رای‌گیری حذف می‌شد.

موضوعی که روس‌ها در زمان انعقاد برجام نسبت به آن انتقاد کرده بودند و و رای اینکه تحریم‌های ایران در این حیطه قابل بازگشت است به این موضوع اعتراض داشتند که حق و تو آنان با چنین سازوکاری سلب می‌شود.

«علی‌اکبر صالحی» وزیر اسبق امور خارجه ایران درباره ماجرای هشدار و اعتراض روسیه به این موضوع عنوان کرد: «روسیه همان زمان که «مکانیسم ماشه» در برجام طراحی شد، متوجه شد که این بند به‌طور زیرکانه‌ای حق و توی اعضای دائم شورای امنیت را دور می‌زند و هیچ کشوری، حتی مسکو و پکن، توان متوقف کردن آن را ندارد.

هشدار آن روز لاوروف (وزیر خارجه روسیه) امروز با فعال شدن اسنپ‌بک علیه ایران عینیت یافته است.» همان‌طور که علی‌اکبر صالحی نقل کرده، روسیه همان زمان نسبت به این سازوکار هشدار داده بود و تأکید داشت که این بند «زیرکانه» طراحی شده تا حق و تو را بی‌اثر کند.

مأموریت ناامید کردن مردم پس از گرفتن غنائم انتخاباتی در دولت!



روزنامه وابسته به رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، به جای امید دادن به مردم، می گوید: با سخنان پزشکیان معلوم است که در وضعیت فعلی هیچ‌یک از مشکلات حل نمی‌شود!

روزنامه اعتماد با ذوق‌زدگی از برخی ادبیات منفی پزشکیان نوشت: «از سخنان و جلسات آقای پزشکیان در هفته‌های اخیر دقیقاً استنباط می‌کنیم که با وضعیت کنونی هیچ‌کدام از مسائل مهم کشور حل نخواهد شد. به طور طبیعی باید نتیجه بگیریم که این مسائل بدتر می‌شود که بهتر نمی‌شود. بعید است که آقای پزشکیان متوجه معنای ضمنی این سخنان خود نباشند.

جالب است که آقای پزشکیان در آخرین گفت‌وگوی خود مجبور شد بگوید؛ از همان ابتدا که آمد، ناترازی‌ها روی هم لبریز شده بود. نکات دیگر اظهارات اخیر وی به صورت خلاصه چنین است که؛ به علت نداشتن کار درخواست کاهش زمان کاری کارمندان را به ۴ ساعت داده است! «کشور گیر آب، خاک، سوخت و گاز افتاده، همه‌جا گیر هستیم، در حالی که روی گنج خوابیدیم.» «اصفهان دچار فرونشست شده، تهران و اطراف آن بدتر.» «به کجایمی خواهیم برویم؟» «عامل تورم ما هستیم، بنشینیم در خانه واز کارهای خود توبه کنیم!» «پول نداریم و در ادارات ولخرجی می‌کنیم، به مجلس گفتیم کمک کنند تا ادارات را کوچک کنیم.» «هر که بهتر می‌تواند مشکل آب، کشاورزی یا ناترازی‌ها را حل کند، این‌گوی واین میدان.» «باران کمتر می‌بارد و تبخیر بیشتر می‌شود. ۱/۵ درجه بیش از دوره‌های قبلی ایران گرم‌تر شده است.»

هنگامی که سیاهه‌ای از این سخنان بدون هیچ راه‌حلی ارائه می‌شود، نتیجه روشن است. یعنی دولت هم در موضع انتقادی مثل مردم و احزاب و روزنامه‌نگاران ... است. فقط، معلوم نیست مخاطب این نقدها کیست. به علاوه آقای پزشکیان باید به این پرسش‌ها پاسخ دهند که علت این وضع چیست؟ آیا در یک سال گذشته این شاخص‌ها بهبود یافته‌اند یا بدتر شده‌اند؟ و با ادامه این وضع به کجا خواهیم رسید؟

اعتماد برای عادی‌نمایی سوء‌مدیریت دولت می‌نویسد: اگر رقیب شما می‌آمد قطعاً وضع فاجعه‌باری بود ولی با آمدن شما نیز هیچ‌کدام از ناترازی‌ها کمتر نشده است. ادامه این وضع نیز غیرممکن است و به زودی اغلب شاخص‌ها غیرقابل تحمل خواهند شد. علت رسیدن به این‌جانب نیز چند عامل به هم پیوسته رویکردی، سیاست‌گذاری، کارگزاری و نظارتی است. مشکل اصلی نیز رویکردی است.

درباره این نوشته روزنامه آقای حضرتی گفتنی است:اولاً یک‌سال پس از تشکیل دولت، مسئولیت دولتمردان گزارش عملکردو بر نامه‌قبل از آن برای حل مشکلات است و نه فهرست کردن مسائل و بعضاً سیاه‌نمایی. نه رئیس‌جمهور نامزد انتخاباتی است و نه آقای حضرتی و روزنامه‌اش، ستاد انتخاباتی و تبلیغاتی. به‌عنوان مثال همین روزنامه باید توضیح بدهد و عذرخواهی بکند که پارسال چرا بی‌تدبیری دولت در ذخیره‌سازی سوخت نیروگاه‌ها را لا‌پوشانی کردو قطع بی‌برنامه برق را با دروغ‌گویی، به تدبیر دولت برای توقف مازوت‌سوزی و کاهش آلودگی هوا نسبت داد؟!

ثانیاً هم‌دولت‌وهم حامیان‌ش، مانند مردم و کارشناسان، از مشکلات موجود خبر داشتند و اگر توانایی حل مشکلات را نداشتند، نباید پیش‌قدم می‌شدند. در غیر این صورت، متهم خواهند شد که بر نامه جز قدرت‌طلبی و تقسیم غنائم پس از انتخابات نداشته‌اند؛ چنان که آقای حضرتی به ریاست شورای اطلاع‌رسانی دولت رسیده و در واگذاری بسیاری از پست‌ها به عنوان غنیمت انتخاباتی نقش آفرین بوده است. ثالثاً مشکلات راه‌حل دارد اما چون شاکله و بدنه مدیریتی دولت عمدتاً از سوی گروه به‌شدت سیاست‌زده و سیاسی‌کاری به نام «شورای راهبری کابینه» چیده شده، معمولاً دوقطبی‌سازی و سیاه‌نمایی و فرافکنی، بر تدبیر و اقدام و امیدبخشی غلبه کرده است، به‌ویژه اینکه برخی محافل آلوده به نفوذ در جبهه اصلاحات، برای سیاه‌نمایی و ناامید کردن مردم مأموریت دارند و به همین علت، از روایت‌های انباشته از ضعف و فاقد ایده و برنامه استقبال می‌کنند بلکه در پخت‌و‌پز چنین روایت‌هایی نقش‌آفرین اصلی هستند.

منبع: کیهان

همدلی و حمایت از دولت

توصیه رهبری برای پیشرفت و خنثی‌سازی توطئه دشمن



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدارهای جداگانه با هیئت دولت و در مراسم عزاداری شهادت امام رضا(ع)، با تقدیر از عملکرد پرتلاش دولت، بر ضرورت حمایت همگانی از خدمتگزاران نظام و حفظ وحدت به عنوان عاملی کلیدی برای عبور از شرایط حساس کنونی تأکید کردند. ایشان در دیدار شانزدهم شهریور ۱۴۰۴ با هیئت دولت، با تشکر از رئیس‌جمهور، مسئولان، مدیران و به‌ویژه دستگاه‌هایی که در «جنگ دوازده‌روزه» فداکاری کردند، «انگیزه» و «روحیه» و «پُرکاری» دکتر سیدابراهیم پزشکیان را مورد تقدیر قرار دادند.

رهبر انقلاب با اشاره به سفر اخیر رئیس‌جمهور به چین، این سفر را «بسیار خوب» توصیف کرده‌وافزودند: «بالقوهٔ مینه‌ای است ـ نمی‌گویم بالفعل است برای حوادث بزرگ مورد نیاز کشورمان، چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی؛ خوشبختانه یک زمینه‌ی این‌چنینی را ایشان با این سفر به وجود آوردند که دستاوردهایی داشته و بایستی پیگیری بشود.»

در بیانی دیگر، در مراسم عزاداری شهادت امام رضا(ع)، ایشان بار دیگر بر مسئله «اتحاد» تأکید کرده و فرمودند: «هر روز بحمدالله اتحاد وجوددارد. این اتحاد را مردم حفظ کنند.»

ایشان همگان را به حمایت از رئیس‌جمهور و دولت توصیه و خاطر نشان کردند: «رئیس‌جمهور، پُرکار و پُر تلاش و پیگیر است؛ عناصر این جور که پُرکار باشند، پُر تلاش باشند، پیگیر باشند، این‌ها را باید قدرشناسی کرد. اتحاد بین ملت و دولت، بین احاد مسئولین گوناگون نظام، بین نیروهای مسلح و مردم، بین احاد مردم، چیزی است که بایستی با همه‌ی وجود حفظ بشود؛ این توصیه‌ی قطعی من است.»

این تأکیدات بر پایه‌های استوار و راهبردی زیر استوار است:

■ مشی ثابت و همیشگی رهبری

حمایت از دولت‌های برآمده از انتخابات، که نشانه‌ای از تبلور مردم‌سالاری دینی است، همواره مشی ثابت رهبر انقلاب بوده است. ایشان خود در این باره فرموده‌اند: «دأب بنده هم این است که همیشه از همه‌دولت‌ها که بر سر کار هستند حمایت می‌کنم.» البته این حمایت، مشروط و همراه با نصایح صریح برای حراست از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و هدایت کارگزاران در مسیر صحیح است. طبیعی است که هر چه دولت‌ها در خط انقلاب حرکت کنند، از حمایت بیشتری برخوردار خواهند بود. این وحدت سه‌قوه و اتحاد بانیروهای مسلح، قوام‌بخش نظام و خنثی‌کننده توطئه‌های دشمن، مانند القای حاکمیت دوگانه، است.

■ موفقیت دولت، موفقیت همه نظام

رهبری تأکید کرده‌اند که موفقیت رئیس‌جمهور در اداره کشور، به معنای موفقیت کل نظام و همه‌مسئولان و احاد ملت است. ایشان پیش از آغاز به‌کار دولت کنونی فرمودند: «اگر ما توانستیم

رد حکم استاندار خوزستان توسط رئیس ستاد مرکزی شهرستان اهواز دکتر پزشکیان

مهندس سیدامیر حمزه موسوی حکم مشاور از استاندار خوزستان را نپذیرفت
موسوی با صدور بیانیه‌ای پرده از آمار سازی، بی توجهی به شایسته سالاری و فعال سازی گسل های قومی برداشت.
رئیس ستاد انتخاباتی دکتر پزشکیان در اهواز ، با انتشار یادداشتی، ضمن ابراز بی‌اطلاعی و توصیه به رعایت اخلاق حرفه‌ای، دلایل خود برای خودداری از هر گونه همکاری با محمدرضا مولای زاده استاندار خوزستان را در چهار بند اعلام کرد.
مهندس سیدامیر حمزه موسوی در یادداشت خود آورده است:
باسمه تعالی
باتوجه به انتشار "حکم مشاور "به نام اینجانب سیدامیر حمزه موسوی از طرف استاندار

محترم استان خوزستان؛ با قدردانی از حسن ظن ایشان، بدینوسیله ضمن ابراز بی‌اطلاعی از این تصمیم و انتصاب و توصیه به رعایت اخلاق حرفه‌ای، دلایل خود را برای عدم پذیرش هر گونه همکاری به شرح ذیل بیان می‌نمایم:

۱- بی‌توجهی به شایسته سالاری، تخصص و تعهد در اکثریت قاطع انتصابات، وعنادورزی با نیروهای معتدل و متعهد حامی دولت و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.

۲- گرفتار شدن حکمرانی در استان خوزستان به آمار سازی‌های رسانه‌ای _کاغذی و اتلاف وقت مردم با رویکردهای پوپولیستی، نمایشی، عکاسی و سخنرانی‌هایی شبه انتخاباتی و در حال و هوای انتخابات مجلس!

۳- فعال سازی گسل‌های قومی و آسیب

رساندن به همبستگی مردم استان؛ و تحریک عامدانه و بی‌سابقه اقوام شریف و گروه‌های سیاسی -اجتماعی نسبت به یکدیگر و ایجاد بغض اجتماعی.

۴- به فراموشی سپردن اقدامات زیربنایی و طرح‌های مربوط به توسعه زیرساخت‌ها و رفع چالش‌های استان؛ و عدم توجه به مشکلات عیدیه و اساسی مردم در یک سال گذشته. شایان ذکر است که صدور احکام متعدد و لحظه آخری راهکار برون رفت از مشکلات مدیریت کلان استان نخواهد بود. همانطور که اکثریت احکام مشاوره صادر شده نتیجه‌ای در بهبود مدیریت استان به همراه نداشته؛ و تنها چند فرد انگشت شمار که از ابتدا تصمیم سازی و مشاوره مدیریتی استان را بر عهده داشته‌اند، کماکان منحصراً صاحب‌اثر هستند

وقت خداحافظی با پارادایم جریان غربگرا

۱- حمله اخیر رژیم صهیونیستی به یک ساختمان در دوحه قطر و حمایت آشکار آمریکا از این اقدام، بار دیگر واقعیت‌هایی را آشکار کرد که در لفافه امید به «تعامل با غرب» پوشیده شده بود. در حالی که قطر یکی از نزدیک‌ترین شرکای نظامی، امنیتی و اقتصادی آمریکا در منطقه به‌شمار می‌رود و میزبان بزرگ‌ترین پایگاه نظامی این کشور در غرب آسیاست، باز هم نتوانست از تعرض مستقیم متحد راهبردی آمریکا یعنی اسرائیل در امان بماند. این اتفاق به‌وضوح نشان می‌دهد که وفاداری به غرب، نه تنها مصونیت‌آور نیست، بلکه در بسیاری مواقع، راه را برای اعمال سلطه و نقض حاکمیت بیشتر هموار می‌کند.

۲- ماجرا اما فقط به قطر ختم نمی‌شود. از افغانستان تحت حمایت ناتو تا اوکراین غرب‌زده، شواهدی انکارناپذیر وجود دارد که نشان می‌دهد زمان تغییر پارادایم، نه آن گونه که جریان غربگرا در ایران مدعی بود، بلکه دقیقاً برای خود این جریان فرا رسیده است. اکنون پرسش اساسی این نیست که ایران باید به‌سوی غرب بچرخد یا نه، بلکه باید پرسید آیا غرب اساساً شریک قابل اعتمادی هست یا نه؟ و تجربه‌های اخیر چه

پاسخی برای این سؤال دارند؟

۳- چندی پیش جمعی از چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای وابسته به جریان غربگرا در ایران، بیانیه‌ای با عنوان «وقت تغییر پارادایم» منتشر کردند. ذیل این بیانیه و موضعگیری‌های بعدی فعالین و رسانه‌های این طیف، آنان خواستار عبور از سیاست‌های فعلی حاکمیت در ایران شده و پیشنهاد بازگشت به‌مذکره جامع با آمریکا و غرب و پذیرش نظم مورد نظر واشنگتن را مطرح کردند. از نگاه این طیف، تعامل با غرب کلید حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران است.

امّا تجربه‌های تاریخی، خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. از دولت مدعی اصلاحات و مذاکرات سعدآباد گرفته تا امضاء و اجرای برجام در دولت مدعی اعتدال، هر بار که ایران قدمی در جهت نزدیک‌شدن به غرب برداشت، باز یاده‌خواهی‌های بیشتر، فشارهای اقتصادی مضاعف و تحقیر سیاسی مواجه شد. جریان غربگرا با به کارگیری رسانه‌ها متعدد اس‌ها تلاش کرد تا آن‌را دوگانه «عقلانیت- ماجراجویی» بسازد و بر اساس آن، هر نوع استقلال‌طلبی، مقاومت و تقابل با غرب را محصولی از احساسات‌گرایی و بی‌منطقی جلوه دهد. در مقابل، مذاکره با هدف امتیازدهی و تعامل یکطرفه با غرب را نشانه‌ای از پختگی، واقع‌بینی و توسعه‌خواهی معرفی کرد.

این پروژه روانی- رسانه‌ای، اگر چه در مقطعی موفق شد بخش اندک و کم‌شماری از افکار عمومی را متقاعد کند، اما تحولاتی که پس از آن رقم خورد، به‌شدت بنیان‌های این پروژه را استس کرد. اکنون افکار عمومی می‌پرسد: چرا غرب به کشورهای «مطیع و دوست» خود نیز رحم نمی‌کند؟ و چرا دست کم در ده سال گذشته، هیچ نمونه موثقی از تعامل یکسویه با غرب، امنیت، توسعه یا پیشرفت به‌بار نیاورده است؟

۴- واقعیت این است که حمله اسرائیل به ساختمان محل استقرار سران حماس در قطر، صرفاً یک رویداد نظامی نیست. این حمله، نمادی از پارادایم رفتاری آمریکا و اسرائیل است. رژیمی که سال‌هاست با حمایت‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا در منطقه به جنایت، ترور یسم و نسل‌کشی مشغول است، این‌بار حتی به کشوری مانند قطر رحم نکرد؛ کشوری که میلیاردها دلار در صنایع آمریکایی سرمایه‌گذاری کرده، روابط استراتژیک با ناتو دارد و نقش واسطه در مذاکرات آمریکا با طالبان، ایران، حماس و حزب‌الله را ایفا کرده است.

این حمله نه تنها بدون محکومیت آمریکان انجام شد، بلکه گزارش‌ها و مستندات از هماهنگی اطلاعاتی میان دو طرف نیز وجود دارد. در واقع، قطر از نگاه اسرائیل و آمریکا، نه یک متحد برابر، بلکه ابزاری در جغرافیای قدرت است و هر گاه لازم باشد، مصرف می‌شود.

۵- جریان غربگرا در ایران معمولاً از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌عنوان الگوی تعامل موفق با غرب یاد می‌کند. این در حالی است که به‌عنوان نمونه، مصر که با بحران اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند و به‌رغم ده‌ها میلیارد دلار کمک خارجی، همچنان ناتوان از اداره معیشت شهروندان است، نمونه‌ای دیگر از مصرف‌کنندگان مدل غربی است که در بزنگاه‌ها تنها می‌مانند.

در یک نمونه دیگر، عربستان با چالش‌های مالی بی‌سابقه‌ای مواجه است. چندی پیش وزارت دارایی این کشور گزارش داده دهی عمومی تا پایان سه ماه اول ۲۰۲۵ به بیش از ۱۰۱ تریلیون ریال سعودی (۲۹۰ میلیارد دلار) رسیده است. رشدی ۱۵ درصدی نسبت به سال گذشته. این افزایش در حالی رخ می‌دهد که درآمدهای نفتی- که بیش از ۷۰ درصد بودجه دولت را تشکیل می‌دهد- تحت فشار کاهش قیمت جهانی نفت و سیاست‌های اوپک پلاس برای محدود کردن تولید قرار دارد. شاخص نفت برنت در سال ۲۰۲۴ به‌طور میانگین ۸۰ دلار در هر بشکه بود، در حالی که صندوق بین‌المللی پول قیمت ۹۱ دلار را برای تعادل بودجه عربستان و تا ۱۰۸ دلار برای تأمین مالی پروژه‌های داخلی، از جمله شهر هوشمند نثوم و نمایشگاه جهانی ۲۰۳۰ ضروری می‌داند.

۶- سقوط کابل و ترک ناگهانی افغانستان توسط نیروهای آمریکایی نیز، به‌نوعی نماد فروپاشی اعتماد به غرب بود. کشوری که دود دهه میزبان ناتو بود، در کمتر از یک هفته به‌دست طالبان سقوط کرد. در اوکراین نیز، غربی‌ها با وعده‌های بزرگ حمایت، این کشور را به دام جنگی تمام‌عمر کشاندند و امروز، با کاهش حمایت نظامی و تعلل در ارائه کمک‌های مالی، عملاً ک یف را در بلاتکلیفی رها کرده‌اند.

در هر دومورد، نتیجه نهایی برای مردم، ویرانی، مرگ، مهاجرت، فقر و آشوب بود. آیا چنین سرنوشتی، الگویی برای آینده ایران است؟!

مصاف رشید با ژنرال ماهر عبدالرشید

➤ **منصور کیانی**

همیشه روزهای اول مهر هیجان خاصی داشت آن سال نیز تکاپوی دانش آموزان برای حضور در مدرسه ها رنگ و بوی شهر را دگرگون کرده بود. تمام رئیسی را تکمیل کند و نگاه ویژه ای به خوزستان داشته باشد.

آغاز خاطره انگیز مهر سال ۵۰امحال و هوای دیگری داشت؛ورود شتابزده پاسپانها به دبیرستان و دستگیری یکی از دانش آموزان، اوقات همه را تلخ کرده بود. چشمان نگران معلم وشاگردان؛نوجوان دست‌بسته،اردنبال می کرد هنوز معلم و همکلاسی های او در بهت چرائی ماجرابودند که پاسپان "ریاطی"سبلی محکمی به صورت غلامعلی نواخت و سپس سیلی های بعدی راسر هنگ افراسیابی به صورت معصومانه این نوجوان می زد.

رشید هنوز نمی خواست باور کند ولی از سن ۱۶-۱۷ سالی خود راوسط معرکه مبارزه با دستگاه اطلاعاتی ستم شاهی و سرهنگ های مخوفی چون افراسیابی رئیس ساواک می دید. اینگونه عنوان جوانی غلامعلی طی ۷ سال زندان و جنگ و گریز پیاپی گذشت ولی هزاران مقلدسلحشوروصابر پیشه‌ای چون رشید، انقلاب خمینی را به ساحل پیروزی رساندند و رشتنه هزاران ساله پادشاهی را قطع نموده و دامن پاک ایران را برای همیشه از لوٲ پادشاهان جائر پاک کردند.

پیروزی انقلاب اسلامی رشید را نه تنها مغرور نکرد بلکه او را دلواپس وهیجانی تر کرده بود بطوری که برای پاسداری از انقلابی که تازه سر از خاک عدم بر آورده بود دو سال تمام در اسلحه خانه سپاه می خوابید و به خانه نرفت تاگزندی به انقلاب نرسد.

هنوز آتش درگیری گروهک های ضد انقلابی مانندمجاهدین خلقو خلق عرب زبانه می کشید که در نیمه ۵۹عراق جنگ گسترده ای را آغاز نمود پنج روز از جنگ نگذشته بود که عراق صد کیلومترمدر عمق خاک ایران نفوذ کرده خود را به پشت رود کر خه رسانده بود. اینک در فوٲل ششوش واندمشک در معرض سقوط بودند.



آنطرف میدان اما صدام بود وفرماندهانی که مانند پلنگ زخم خورده به خود می پیچیدند. ژنرال «ماهر عبدالرشید»فرمانده اساطیری عراق تمام لشکرهای عراق را برای با پس گیری مجدد خرمشهر بسیج کرده بود.

ارتش عراق که نیمی از استعداش منهدم و ده ها هزار کشته و اسیر داده بود هرگز حریف زاهدان شب وشیران روز نشدند و پس از ۲۵ روز درگیری، ژنرال ماهر عبدالرشیدو عدنان خیرالله و دیگر پهلوانان و شجعان عراق خائب وخاسر به بغداد برگشتند.

جنگ با همه کز و قرش به پایان رسید.ولی فرجام فرماندهان جانی وقسی القلب یعنی مایه پندو عبرت خردمندان شدد؛از عدنان خیرالله وزیر دفاع تابسیاری از سرلشکرهای عراق به اندک بهانه ای توسط صدام اعدام شدند. تتمه فرماندهان میانی یا خلبانانی که جنایتی علیه رزمندگان ایرانی مرتکب شده بودند توسط جوخه های ترور یک به یک اعدام شدند.

اما ماهر عبدالرشید که پنجه در پنجه سردار رشید گذاشته بود پس از جنگ تحمیلی از ارتش یعنی اخراج شده در حبس خانگی ماند؛او پس از اشغال عراق توسط امریکابه دیوانیه عراق فرار کرد ولی امریکایی ها او را پیدا کرده به زندان ابو غریب انداختند پس از ۵ سال رها شد چون جایگاهی در عراق عرب نداشت به اقلیم کردستان پناهنده شد آنجا در نهایت غربت و ذلت سکنه کرد و در بیمارستان سلیمانیه به درک واصل شد.

اما سردار رشید و همز زمانش پس از به خاک انداختن حریفان یعنی عزم پیکار با امریکاو اسرائیل کردند.

➤ **منصور کیانی**

صدام خیلی زیرکی به خرج داد و زمانی که انقلاب اسلامی هنوز در آب و گل وجود و عدم بود و ارتش هم از سامان افتاده بود جنگی گسترده را تدارک دید و شهرهای مهمی را اشغال کرد.

شورای امنیت سازمان ملل هم برای تثبیت مواضع عراقی ها ۱۶ قطعنامه پیاپی صادر کرده و خواهان آتش بس بود.

از داخل هم عده ای مرتب می گفتند مردم از جنگ خسته اند ماه اول جنگ فقط جبهه ملی و مهندس بازرگان از جنگ اظهار خستگی می کردند اما کم کم برخی از مسئولان دولتی هم اظهار عجز و بی چارگی می کردند.

البته اظهار ضعف مسئولان در جبهه های اثر نبوده بهر حال در تابستان ۶۷امام خمینی بر اثر فشار مسئولان قطعنامه ۵۹۸را پذیرفت و آن را به نوشیدن جام زهر تعبیر نمود. پذیرش قطع نامه اما برای سلحشوران خط مقدم سخت و گران بود؛ سردار رشید می گوید: «پذیرش قطعنامه آنقدر بر ایمان سنگین و غیره منتظره بود که بنده احساسم این بود حتما امام رحلت نموده و کسی دیگری بجای امام قطعنامه را پذیرفته است.»

گویند امام هنگام نوشتن پیام پذیرش قطعنامه آن قدر گریه کرده بود که نامه پذیرش، از اشک های امام مچاله شده بود.

راستی چرا امام آن مرد دنیا دیده، پذیرش قطعنامه را جام زهر و معامله آبرو با خدا می دانست؟

هشت سال دفاع به پایان رسیده و فرجام جنگ به سود ایران رقم خورده بود زیرا دشمن به هیچ یک از اهداف اعلامی خود نرسیده بود و در اتفاقات پس از جنگ، نه تنها فرماندهان عالی عراق و پسران صدام حذف فیزیکی شدند بلکه خود صدام نیز در سال ۸۵ به دار مکافات

آویخته شد و طومار نظام یعنی به کلی درهم پیچیده شد.

پس چرا امام اینگونه متاسف بود؟

به نظر می رسد امام می دانست با خاتمه جنگ و پذیرش قطعنامه، بهترین مدیران جهادی منهدم شده‌از چرخه مدیریت حذف خواهند شد و مدیریت آینده کشور بدست سیاستمدارانی خواهد افتاد که حاضر نیستند برای انقلاب و دین و میهن یک قاب انگشت خود را فدا کنند و اینگونه هم شد.

دقیقا چند ماه بعد از رحلت امام خطیب جمعه تهران که اینک رئیس جمهور هم بود در نماز جمعه به جای توصیه به ساده زیستی، پاکي لقمه و تقوای الهی گفت:«اظهار فقر و بیچارگی کافی است این رفتار درویش مسلکانه وجهه جمهوری اسلامی را نزد جهانیان تخریب کرده است زمان آن رسیده که مسئولین ما به مانور تجلّی روی آورند!»

شگفتا مدیرانی که ریخت و پاش نکرده و ساده زیستی می کردند متهم

از نارنجک دستی تا هیولای آسمان داستان مردی که در بینهایت سیر می کر

وقتی آقا محسن، حکم مأموریت را داد دستش، فرمایشش بود پس در دلشان خندیدند. فکر می کردند آقا محسن حاج حسن را دست انداخته و فرستاده دنبال نخودسپاه، البته حق داشتند. خود حاج حسن هم اولش وقتی به پیچیدگی موشک فکر می کر، مخش سسوت می کشید. چند وقت قبل تر که واحد توپخانه را راه انداخته بود، باز هم به او خندیده بودند. آخر نه تویی داشت و نه توپخانه ای! پادشاه بی رعیت وبی اقلیم! اما وسط خنده دوستان با اشاره انگشت خاک ریز دشمن را نشان داده و گفته توپ های ما آنجاست. چند روز بعد، گردان توپخانه ای صدام، غنیمت حاج حسن شده بود تا جنسش جور شود. توپ های ۱۳۰ میلیمتری اما چه می توانستند بکنند؟ فوق فوٲش بصره را می زدند؛ یعنی پیش پای خودشان را!

موشک اما داستانش ودنیایش فرق می کر.د صدام لعنتی شهرهای ایران را بسته بود به موشک و مردم شعار می دادند: «موشک جواب موشک». ولی کو موشک؟! ما در خرج آریی جی و خرید سیم خاردار هم مانده بودیم. موشک که هندوانه نبود تا از میوه فروشی بخیریم. حافظ اسد که می خواست مرام خرج مان کند، فقط پذیرفته بود کار با موشک را به حاج حسن و نیروهایش آموزش دهد و از فروش موشک خبری نبود. معمر قذافی هم ۳۰ عدد موشک اشناتینون به ما داده و کر کره مغازه را پایین کشیده بود. وقتی از سوره به لیبی طرفی نبسته بودیم، معلوم بود که از کره شمالی هم آبی گرم نمی شود. اما صدام کاری به این آب گرم نکنان نداشت و دستش روی دکمه موشکیاران بود. کشور در بد مخمصه ای گرفتار شده بود. چه می گویند؟ «تنهایی استراتژیک!» حاج حسن باید یک کاری می کر.د. باید چرخ را از نو اختراع می کر.د.وقتی دوست و دشمن شریعه ر بسته بودند، چه موشک اشناتینون به ما داده و کر کره مغازه را پایین و خودش عزم سر چشمه می کر.د. موشک اول را توی همان یکی دو سال اول مأموریتش ساخت. دست گرمی بود؛ برای دلگرمی. روزی که بغداد را نشانه رفت و گفت خدا یا ما نمی خواهیم مردم عادی را بکشیم و می خواهیم نظامیان یعنی را بز نیم و ای خدا تو این موشک را به باشگاه افسران یزن، فقط چند دقیقه بعد رادیو بی بی سی اجابت دعایش را به عالم مخابره کر د و گفت که دیویست فرمانده عراقی هلاک شدند.

جنگ تحمیلی بالاخره تمام شد. تمام شد، اما کار حاج حسن تازه شروع شده بود. او باید قدم در راه های نرفته



ماهنامه فرهنگی، اجتماعی

شهریور ماه ۱۴۰۴ | سال بیست و سوم | ۴ صفحه

نگاه

خاطراتی از سردار شهید غلامعلی رشید

شهادت او عین سیاست او بود

به درویش مسلکی می شدند و کسی که افتخار می کر د که من جام زهر را به خورد امام داده ام الان با کلی مٲت بر سر ملت، دفتر کارش را از مرکز شهر به کاخ سعد آباد منتقل می کند و مدیران جهادی چون سردار رشید که ۸ سال با جسم و جانسان جلوی تانک و توپ های صدام را سد کرده و قبل از آن، محمد رضا شاه را از کاخ بیرون انداخته بودند اینک مشاهده می کنند که اکبر شاه از دری دیگر وارد کاخ می شود و آن دولتمرد گدا منشی که دیروز برای نان و پنیر رزمنده های جنگ، بودجه نداشت امروز برای مانور تجملّ و کاخ سازی رئیس جمهور و دولتمردان کرور کرور هزینه می کند!

مانور تجمل تا جایی پیش رفت که رئیس جمهوری برای یک شب خواب در مشهد باید تشک مخصوص بافلان مارک خار جی بوسیله هواپیما از تهران برایش ارسال کنند و معاون رئیس جمهور، وزیر و شهردار هفتاد ساله تهران محض هوسرانی و تجدید فراش، زن جوان خود را در حمام با ۵ گلوله می کشد تازه مورد تشویق هم حزبی های خود قرار می گیر د!؟

و... مانور تجمل مانوری پر تلفات بود علاوه بر خسارت های بی شماری که به کشور وارد کر د و باعث کاهش اعتماد مردم به مسئولان گردید ،صدها مدیر و مسئول و رئیس جمهور رابی آبر و نموده یا زنده به گور کر د. از قضا مبتکر مانور تجمل خود در حین برگزاری مانور در استخر کاخ سعد آباد غرق شد.

او دقیقا طوری که می اندیشید و می زیست مُرد.

دیگر رؤسای جمهور و مدیران غربگرا هم عین سیاست خود خواهند مُرد همانطور که سرداران سعادتمندامت همچون غلامعلی رشیدو سلامی و سلیمانی و باقری و حاجی زاده و نصیر باغبان آن گونه که می اندیشیدند و می زیستند جان دادند آنان چون شهید گونه زندگی کرده و شهیدانه می اندیشدند به فوز شهادت رسیدند و غلامعلی رشید طی ۵۰ سال اندک اندک نحوه رفتن خود را انتخاب کر د او نه بدست شاه و صدام و داعش بدست اسرائیل آنهم نه در میدان بلکه با ترور ناجوانمردانه بشهادت رسید

خوب مُردن هم همت عالی می خواهد.

شهادت رشید تصدیق سیاست ۵۰ ساله او بود.

بله مرگ ما نیز عین سیاست و اندیشه ما خواهد بود چون...

مرگ هر کس ای پسر همرنگ اوست...

این قول صادق مصدق است که فرمود «کما تعیشون تموتون»

همانگونه که زندگی کنید می میرید.

والسلام

۱.خبرگزاری تسنیم. ۲۱ دی ۱۳۹۴

۲. تابناک. ۲۲/ ۱۰/۱۴۰۲

۳. مشرق نیوز. ۱۰ خرداد ۹۸

یادداشت	➤
زهرآ محسنی فر	

می گذاشت. ولی هنوز کورسویی بود که باید امتحانش می کردند. حاج احمد و حاج حسن تیری در تاریکی انداختند و رفتند روسیه تا شانس خودشان را برای خرید موشک امتحان کنند. اگر چه به هندوانه درسته می ماند، اما باید میوه فروشی روسیه را هم می دیدند. اینطور لااقل خیالشان راحت می شد که همه راه‌ها را رفته‌اند. رفتند و دست خالی برگشتند. برگشتند اما قسم خوردند کاری کنند که روزی روس‌ها به احترامشان کلاه از سر بردارند. و این شروع مردی بود که آرزوهای دوربرد داشت. نوجوانی که روزی نارنجک‌دستی درست می کر د وزیر پای ارتش شاهنشاهی می تر کاند، و قتش رسیده بود کاردستی اش را بر و بال دهد و از آن هیولا بسازد. حاج حسن که لحن صدایش لاتی می زد، یک چیز را مثل دستمال گردن انداخته بود روی شانه‌های باورش تا همیشه همراهش باشد؛ اینکه «فمی شود، نداریم.» اصلا خودش می گفت که تنها آدم‌های ضعیف به اندازه امکاناتشان کار می کنند.

و بالاخره رسید روزی که حاج حسن و دوستان از هیچ، هایپر سونیک ساختند. بادست خالی، دست جبهه اسلام را پر کردند. «موشک، جواب موشک.» بالاخره جواب داد. موشک‌های اولیه، اشکالشان این بود که عطش بی‌نهایت خواهی حاج حسن را سیراب نمی کردند. این‌س بود که نگاهش از مرز و جغرافیا گذشت و روی سرزمین‌های اشغالی قفل شد. ببقرائی اش تنها آنجا آرام می گرفت. وقتی روی سنگ قبرش نوشتند «انجا مزار کسی است که می خواست اسرائیل را نابود کند»، موشک‌های او از لحظه شلیک فقط هفت دقیقه تا تلاویو فاصله داشتند. پیش از شهادت، خودش جایی سر بسته گفته بود که دیگر هیچ محدودیت بر دی برای موشکهای ما متصور نیست. در بیکران خدا می روند و هر جا اراده کنیم، فرود می آیند. حاج حسن راست می گفت. این را همه مردم دنیا به چشم دیدند. وقتی میوه‌های باغ پدر موشکی ایران، به آخرین فناوری های پدافندی بشر مدرن می گفتند زکی و سامانه‌های پرمطمراق آمریکایی را تحقیر می کردند، دنیا به احترام او ایستاد و روس‌ها به پاس بزرگی اش کلاه از سر برداشتند.

وعده‌های صادق پیاپی و بشارت فتح، عرصه نمایش اراده، نبوغ و شاهکار باران و شاگردان حاج حسن طهرانی مقدم بود. و در آن دوازده شب، وقتی مظلومان کلام تیر شهاب ثاقب شست خدا را به دنیا، راه‌های آتشین ایرانی می دیدند، لا بد به طهرانی مقدم‌ها حاجی زاده‌های پشت موشک‌ها فکر می کردند. راستی اگر ما موشک نداشتیم، در این تنهایی استراتژیک تحمیلی، چه می کر دیم؟

شهرآزاد: روایتی از زندگی زاهدانه شهید عباس رشید

■ **فاطمه دقای نژاد**

جوان نسل دهه هفتادی که مسیرش را بی تکیه بر نام پدر ساخت؛ شهید امین عباس رشید، شهیدی از نسل فروتنی و معنا، نه رانت، نه تجمل؛ فقط صداقت و ایمان، داستان شهیدی که از نام گذشت و به جاودانگی رسید. در عصری که نام خانوادگی می تواند کلید عبور از هزاران در بسته باشد، او در سکوت زیست؛ جوانی از نسل دهه هفتاد، فرزند یکی از برجسته ترین فرماندهان، اما بی تکیه بر این نسب بلند آوازه، نه به جایگاه پدرش تکیه زد، نه در مسیر شهرت قدم گذاشت. او راهی را بر گزید که کمتر کسی جرئت گام نهادن در آن را دارد؛ راه گمنامی، صداقت، و سادگی.

در پی حملات متجاوزانه رژیم جنایتکار صهیونیست به کشورمان سردار سپهبد شهید غلامعلی رشید و فرزند عالی قدرش شهید دکتر امین عباس رشید، در راه دفاع از وطن و آرمان های انقلاب به مقام رفیع شهادت نائل شدند، به همین بهانه در ادامه خلاصه گفت وگویی خبرگزاری تسنیم با دوستان شهید امین عباس رشید از جمله: سید محمد حسینی، سید مجتبی هوایی، محمدصادق محکی و شهاب محمدی را ملاحظه می کنید.

■ **نخستین خاطره‌ای که از امین عباس در ذهن تان نقش بسته چیست؟ چه چیزی آن لحظه را برایتان ماندگار کرد؟**

سید محمد حسینی: شهید امین عباس رشید تا لحظهٔ شهادت، در بسیاری از جمع‌ها ناشناخته باقی ماند؛ بی‌نام، بی‌ادعا و بی‌تظاهر. او از معرفی خودش پرهیز می کرد. پس از شهادتش، برخی دوستان مشترک تماس گرفتند و گفتند: «مانمی دانستیم ایشان فرزند سردار رشید است.» سیدمجتبی هوایی: اولین آشنایی من به سال دوم دبیرستان در مدرسه شهید مطهری بازمی گردد. در اتوبوس کنار او نشستم. شخصیتی عجیب و فرهیخته با رفتاری بسیار مؤدبانه و لحنی ترکیبی از زبان کتابی و محاوره‌ای داشت که برای یک نوجوان غیرمعمول بود. محمدصادق محکی: اولین خاطرم به سال اول یا دوم دبیرستان در همان مدرسه برمی گردد. با وجود هم‌سن بودن با دوستانش، رفتار و منشِی پخته‌تر و بزرگ‌تر از آن‌ها داشت. شهاب محمدی: آشنایی من به حدود ده سال پیش در



دوران دانشگاه بازمی گردد. در آغاز، بی‌خبر از اینکه او فرزند سردار رشید است بودم، زیرا خودش هرگز به این موضوع اشاره‌ای نمی کرد. او با رفتاری گرم، صمیمی و بی‌تکلف در جمع حاضر می شد. تواضع‌اش واقعی و درونی بود، نه نمایشی.

■ **کدام خصلت در وجود او بود که اطرافیان را شیفته‌اش می کرد و حضورش را فراموش ناشدنی می ساخت؟**

سید محمد حسینی: می‌خواهم درباره تواضع و ساده‌زیستی عمیقاً ریشه‌دارش صحبت کنم. از کودکی در فضایی رشد کرد که یاد گرفته بود مثل یک انسان معمولی زندگی کند. او هیچ گاه مایل نبود با عنوان «پسر سردار رشید» شناخته شود. می گفت: «اگر با این عنوان معرفی شوم، ممکن است بین من و مخاطبم فاصله بیفتد.» سیدمجتبی هوایی: نمونه ملموس: چند ماه پیش از سفر مکه، پس از بازگشت، خواستم به مناسبت ولیمه برایش گوشه جدیدی بخرم چون گوشه‌اش بسیار قدیمی و حدود ۱۵ ساله بود. با خنده گفت: «نه، همین هنوز کار می‌کند.» این نگاه او به اشیاء، نگاهی واقعی و درونی به قناعت بود.

صبح شهادت

خاطره ای زیبا از شهادت خون نگار شهید احمدغذیریان

حسین بهرامی در سوسنگرد در عملیات المهدی شهید شده بود و من بیتاب چون بدن خون الود او جلوی چشمانم بود و من ناتوان از انتقال او به عقب ،

احمد (غذیریان) دستی به سرم کشید و در گوشی با من صحبت کرد و مرا متوجه تأثیر رفتارم بر روی رزمندگان در گیر در خط کرد.او عادت داشت صبح هر عملیات خود را در خط در گیری به کنار برادران مسجد برسانید .

بعد از آن بود که از جابر خواستم و به اتفاق صادق آهنگری بالندکروز به حد فاصل دو خاکریز خودی و عراق رفتم. وحسین را زیر رگبار گلوله به خاکریز خودی منتقل کردیم.

گاهی که اهواز بودم احمد و من، ساعتها در شب، و گاهی تانماز صبح نشسته در لندکروز در باره همه چیز صحبت می کردیم. آخرین بار که با هم بودیم گفت: قول بده برای عملیات بعدی خبرم کنی چون میخواهم کنار ت باشم. امتناع من در مقابل اصرار او مؤثر نبود و چند شب بعد با هم در سوسنگرد بودیم .

در عملیات آزادسازی ”سویدانی“ محور راست به نام ”دهلاویه“ به من سپرده شده بود و محور چپ به نام ”سویدانی“ بافرماندهی عزیز جعفری بود در این عملیات حسن باقری یار کمکی عزیز و رحیم صفوی یار کمکی من بود.شب عملیات احمد به علت حضور رحیم در کنار من از حضور در سنگر فرماندهی که در خط مقدم و زیر آتش شدید بود امتناع می کرد و بیرون از سنگر ایستاد، ولی با توضیح من به سنگر آمد و تا شروع عملیات ساکت و آرام در کنارم نشست .

عملیات شروع شد و خاکریز عراق سقوط کرد و با اذان صبح نماز جماعت خواندیم .

بعد از نماز قصد حرکت به محل در گیری و سازمان دهی خط را داشتم که احمد گفت: من همراه تو میایم، جواب منفی من و سؤال من که گفتم؛ اسلحه ات کو؟ با عکس العمل او در حالیکه لبخند بر لب داشت روبرو شد و خودکار را از جیبش خارج کرد و گفت: اسلحه ما خبرنگاران قلم ما است .

ما در گرگ و میش هوا پیاده به سمت خط مقدم عراق حرکت کردیم و از میدان مین پاک سازی نشده عبور کردیم در حالیکه احمد غذیریان با فاصله یک قدم پشت سرم در حرکت بود، به نیروهای خودی رسیدیم در حالی که به شدت با عراقیها در گیر بودند.

شروع به ساماندهی گردانها و تعیین خط حد آنها کردم که ناگهان سرم گیج رفت و پای چپم خیس شد و چشمانم یخز غبار چیزی ندید.

همه اینها با صدای تنفس سخت احمد مرا متوجه اتفاقی کرد که افتاده بود. گلوله خمپاره جلوی ما به زمین اصابت کرده بود و تر کش به پای من و پهلوی احمد فرو رفته بود ولی احمد لحظات شیرین شهادت را طلی میکرد و من لحظات دوباره از دست دادن یکی دیگر از برادر مسجد جزایری را ، آنچه بارها تا پایان جنگ رخ داد.

احمد را در حالی که به سختی تمام نفسهای اخر را میکشید بوسیدم و با او شروع به صحبت کردم او میشنید ولی فقط میتوانست با چشمانش به التماس های من پاسخ دهد گر چه آنها هم به سرعت در حال بی رمق شدن بودند

احمد به آرامی در اغوشم شهید شد در حالیکه با حرکت چشم ها ، او نیز به ما قولهایی داد.

رحیم صفوی که سالم مانده بود مرا در امبولانس گذاشت ، از او خواستم تا احمد را نیز با من همراه کند تا همراهیمان تا اخر ادامه یابد ولی مجروحان اولویت داشتند و چند نفر دیگر همزمان با ما مجروح شده بودند . او گفت احمد را نیز با امبولانس بعدی میفرستم و فرستاد.



از راست: حاج حسین ایرگ - شهید حسین بهرامی - شهید احمد غذیریان - محمدرضا راستی - حاج نعیم الهایی - شهید سیدناصر صدرالسادات - حاج جواد شالباف

تابستان سال ۱۳۶۰ در اهواز یک شب محمود یاسین و چند نفر دیگر برای خواب منزل ما بودند. نیمه های شب محمود هراسان از خواب بیدار شد و من که کنار او بودم گفتم چه شده؟! گفت : خواب دیدم ۱۲ تن از بچه های مسجد جزایری مهمان من (محمود یاسین) هستند. نمیدانم تعبیرش چیست؟.....

چند روز بعد خواب محمود تعبیر شد و در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۲۷ محمود به شهادت رسید و حدود سه ماه بعد در عملیات طریق القدس ۱۲ تن از بچه های مسجد جزایری شهید و مهمان محمود یاسین بودند. خدایا به در جات شهدا بیفزای و ما را به آنها ملحق گردان

خاطره از حاج جواد شالباف



ایستاده از راست: شهید مجتبی مرعشی - شهید امیر علم - مرحوم عباس کیوان - شهید سیدناصر سیدنور - شهید سیدفرج سیدنور - مرحوم حاج صادق کرمانشاهی - فضل الله صرامی - شهید سیدفرشاده مرعشی - عبدالزهر عبیات - شهید امیر حسین همویی

نشسته: شهید سید منصور منتظری - حاج جواد شالباف - خراسانی - شهید فرهاد شیرالی - شهید علیرضا عصاره - شهید منصوری نجار - حاج حسن فیض اله - حاج رضانیله چی

سحرگاه ۲۷ شهریور سالروز شهادت شهیدان غذیریان، یاسین و آلوگردی



سحرگاه ۲۷ شهریور ماه قبل از روشن شدن هوا عملیات تک نیروهای مستقر در جبهه غرب سوسنگرد از محورهایی که بوسیله گروه شناسایی بچه های مسجد جزایری شناسایی شده بود انجام گرفت، شب قبل احمد غذیریان و محمود یاسین به محض با خبر شدن از عملیات به سوسنگرد آمدند تا در عملیات شرکت نمایند. من و سید رکن الدین آقا میری هم آمدیم اما نیم ساعتی دیر رسیدیم و نیروها از سوسنگرد به سمت خط حرکت کرده بودند. یکی از بچه هایی که آنجا بود گفت: نیروها اینجا تجمع کردند. اشاره او به سمت یک ویرانه که مورد اصابت موشک کاتیوشا عراقی ها قرار گرفته بود. حاج صادق آهنگری اشعاری از مصیبت شب عاشورا خواند و همه رزمندگان می گریستند.

چند دقیقه پس از حرکت رزمندگان به طرف خط اینجا مورد اصابت موشک قرار گرفت و تبدیل به ویرانه گردید. بی شک تعدادی از آن رزمندگان شهادتنامه خود را به امضای سالار و سرور شهیدان رسانده بودند.

اما نمی دانستیم آنها چه کسانی هستند؟

یکی از بچه ها از احمد و محمود پرسیده بود که بدون اسلحه آمده اید اینجا چه کنید ؟ احمد غذیریان گفت: « من خبرنگارم و آمده ام برای روزنامه خبر تهیه کنم. اسلحه ام همین کاغذ و قلمی است که دارم.» محمود یاسین هم گفت: «من هم سر برانکار مجروحین عملیات را می گیرم و مجروحان را حمل می کنم. اگر اسلحه ای هم زمین افتاد آن را بر می دارم و به رزمندگان کمک می نمایم. » روشنایی صبح که بر تاریکی شب مسلط گردید معلوم شد سه نفر از بچه های مسجد جزایری به کاروان شهدا پیوسته اند. خون نگار شهید احمد غذیریان، معلم شهید محمود یاسین و بسیجی شهید محمد حسین آلو گردی.

منبع: کتاب دین نویسنده: حاج علیرضا مسرتی

کلچین مجازی

مهدی خانعلی زاده

@Khanalizadeh_IR

بند چهار بیانیه کمیته هسته‌ای شعام: "در صورت اتخاذ هر گونه اقدام خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران و تأسیسات هسته‌ای، از جمله بازگرداندن قطعه‌نامه‌های مختومه شده شورای امنیت، اجرای این ترتیبات (توافق قاهره) متوقف می‌شود."

از این لحظه هرگونه همکاری با ژانرس، اقدام علیه امنیت ملی است

مهدی خانعلی زاده

حسین دهباشی

@hosseindehbash

تیر نشده؟ با #مکانیسم_ماشه فوق‌اش برمی‌گردیم به قبل از #برجام؟

انשמندان مان زنده می‌شوند؟ ساتنرفیوژهای شکسته چسب می‌خورند؟ بن از لب را کتور اراک برداشته می‌شود؟ هزاروتصد تحریم پسابرجام چه؟ دلار می‌شود ۲۷۰تومان؟ ده‌سال از عمرمان چه؟ نشان‌ها و سکه‌هایان را بس می‌دهد؟

11:58 AM · Sep 19, 2025 · 60.2K Views

توثیت زبیا حسین دهباشی:

چیزی نشده؟ با مکانیسم ماشه فوق اش بر میگردیم به قبل از برجام؟! دانشمندان مان زنده میشوند؟ ساتنرفیوژهای شکسته چسب میخورند؟ بن از لب را کتور اراک برداشته میشود؟ هزار و چند صد تحریم پسابر جام چه؟ ۲۷۰ تومان؟ ده سال از عمرمان چه؟ نشان‌ها و سکه‌هایمان را پس میدهید؟

ظریف را محاکمه کنید.

او بارها به دروغ گفت اسنپ یک یا مکانیسم ماشه در برجام وجود ندارد. امروز با بکارگیری مکانیسم ماشه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران برگشت همان مکانیسم ماشه‌ای که او به دروغ منکر آن در برجام شده بود. او باید محاکمه شده و پاسخگوی دروغ‌ها و خیانت‌های خود باشد و باید سکه‌های دریافتی را نیز پس بدهد.

کاتال دکتز قدیری ایبانه

حمید رسایی

@Rasae

پیش‌بینی: در این هفته یکی از کشورها پیشنهاد #تمدید_مکانیسم_ماشه را می‌دهد و اروپا می‌گوید اگر ایران امتیاز خوبی بدهد قبول می‌کنیم. مزدوران داخلی برای دادن امتیازات بیشتر فشار می‌آورند تا همچنان چماق بالای سرمان بماند و امتیازات بیشتر هم بدهیم. در حالی که این گام‌ها مقدمات اقدام نظامی را فراهم می‌کند!

۱۳:۲۰ - ۲۸ شهریور ۱۴۰۴